

بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

محمد رشکن^۱

حسین صالح آبادی^۲

مجتبی رحیمی حسین آباد^۳

صغری رشکن^۴

چکیده :

اساس هر جامعه خانواده های آن جامعه است، به عبارت دیگر خانواده است که تا حد زیاد چگونگی گذشته، حال و آینده هر فرد و جامعه را پی ریزی کند. چگونگی ارتباط والدین و اعضای خانواده بی تأثیر از سطوح معلومات و اطلاعات والدین نیست. والدین به منظور آگاهی بیشتر از مسائل تربیتی به یادگیری و آموزش هایی نیاز دارند، نقش پدر و مادر در تربیت و پیشرفت تحصیلی فرزندان برکسی پوشیده نیست و نقش آنان مهم و تعیین کننده است، زیرا والدین شکل دهندگان و معماران شخصیت فرزند خود هستند. در جامعه امروزی ممکن است هر پدر و مادری در یک یا چند رشته اطلاعات تخصصی داشته باشند و در زمینه چگونگی برقراری روابط خانوادگی آگاهی ها و تجربیات در خانه پدری خود کسب کرده باشند. اما آنچه مسلم است شیوه زندگی امروز مانند شیوه زندگی قبل نیست، زیرا نیازهای جامعه امروزی با نیازهای جامعه نسل گذشته همانندی ندارد. تحصیلات والدین و داشتن اطلاعات به روز آنان موجب می گردد که والدین و داشتن اطلاعات به روز آنان موجب می گردد که والدین و داشتن اطلاعات به روز آنان موجب می گردد که والدین محیط مناسبتری برای رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان خود فراهم آورند و فرزندان کمتر دچار مشکلات عاطفی و اجتماعی می گردند، ولی در خانواده هایی که اولیاء فاقد حقی سواد خواندن و نوشتن هستند، قادر به برقراری ارتباط صحیح با فرزندان خود نبوده و حتی در امر آموزش و تحصیلات، اکثراً فرزندان شان دارای مشکل هستند، ولی این امر در خانواده های کم سواد تا حدودی فرق می کند، زیرا آنان گرچه اطلاعات به روز ندارند ولی قادر به خواندن و نوشتن و حساب کردن در حد ابتدایی می باشند و می توانند تا حدودی در امر تحصیل فرزندان شان را کنترل نمایند.

واژگان کلیدی : خانواده - وضعیت اقتصادی - دانش آموزان - پیشرفت تحصیلی

^۱ لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی سبزوار

^۲ لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی سبزوار

^۳ لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی سبزوار

مقدمه

دانش‌آموزان با توجه به استعدادها، علایق، توان و تفاوت‌های فردی در راستای پیشرفت تحصیلی از اهداف اصلی نظام تعلیم و تربیت هر کشوری می‌باشد در صورتی که این مهم اتفاق بیافتد قطعاً مردان و زنان آینده این جامعه با علاقه و جدیت در عملکرد خود موفق‌تر بوده و جامعه‌ای ایده‌آل را می‌سازند. لذا تمامی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و محقق جامعه باید سعی داشته باشند به شناسایی عوامل عدم موفقیت و موفقیت دانش‌آموزان را در جهت پیشرفت تحصیلی سوق دهند تا اهداف مورد نظر نظام تعلیم و تربیت محقق شود. به عبارت دیگر با اینکه چرخ تکامل علم بشریت چنان با سرعت پیش می‌رود که تشخیص مقصد نهایی این حرکت شتابدار، کاری بس دشوار است ولی بازهم جوامع بشری حین پیشرفت به سوی تکامل علمی مواجه به مشکلات لاینحل و صعب‌العبوری است که وظیفه مسئولان نظام تعلیم و تربیت و محققان را سنگین‌تر می‌کند. از همه مهم‌تر آفت‌های نظام آموزشی کشور ما آفت تحصیلی است که همه ساله به صورت گوناگون مقدار بسیار زیادی از استعدادها بالقوه انسان و منابع اقتصادی جامعه را هدر داده و نابسامانی‌های فردی، اجتماعی را به جایی می‌گذارد همه ساله این پدیده در ایران به صورت جنبه‌های مختلف شکست تحصیلی چون غیبت مطلق از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر، تکرار پایه تحصیلی، غیبت میان سؤالات تحصیلی دانش‌آموزان کیفیت عزل تحصیلات دانش‌آموزان در مقایسه با آن چه باید باشد. کسب محفوظات به جایی معلومات جلوه می‌نماید که آثار اجتماعی روانی، اخلاقی، عاطفی و اقتصادی زیاد مترتب است. بنابراین باید شرایطی پیش‌بینی کرد که پیشرفت تحصیلی مطلوب حاصل و آفت تحصیلی به حداقل ممکن بر سر یکی از راه‌های که می‌توان در جهت افزایش پیشرفت تحصیلی کمک گرفت شناخت. مسائل و مشکلاتی است که مانع رسیدن دانش‌آموزان بر پیشرفت تحصیلی و برطرف عنوان این موانع است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به اینکه در جامعه کنونی ما معیار و ارزش‌های حقیقی و دانش علم و آگاهی و کسب مدارک تحصیلی به اندازه بعضی از مشاغل موجود در جامعه برای خانواده‌ها و فرزندان از ارزش اقتصادی و مادی قابل توجهی برخوردار نمی‌باشد و همین امر باعث شده است که فرزندان و دانش‌آموزان ما ارزش‌های کاذب در نظرشان خوب و زیبا جلوه نموده‌اند لذا به دنبال همین امر باعث شده که ما در آینده پدران و مادران داشته باشیم که سطوح علمی و تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، قابل توجهی برای هدایت فرزندان در جهت علمی و تربیتی برخوردار نباشند. بنابراین فقیر خواسته با اعلام و برجسته نمودن این ضرورت را به عنوان یک درد اجتماعی که آثارش در آینده این مرزوبوم قطعاً هویدا می‌گردد نشان داده و خوانندگان این تحقیق را به این ضرورت را به عنوان یک درد اجتماعی اهمیت بالایی موضوع تحقیق معطوف نمایم باشد که ملت فرهنگ دوست ما همیشه اهمیت یادگیری و علم را مد نظر قرار داده و در فراهم نمودن خانواده‌های دارای وضعیت تحصیلی فرهنگی و تربیتی مطلوب تلاش نمایند.

تا آثار سازنده این مجموعه از ارزش‌های انسان‌های فهیم و بالارزشی را به جامعه اعاده نماید و باعث شکوفایی استعدادهای انسانی شده و راه رسیدن به کمال آنها را فراهم آورد.

اهداف تحقیق

- ۱- اهداف کلی: بررسی رابطه وضعیت اقتصادی خانواده و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
- ۲- اهداف فرعی:

بررسی تاثیر سطح تحصیلات والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

فرضیه و فرضیات تحقیق

- ۱- فرضیه اصلی:

«بین سطح اقتصادی بالا و پایین والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد»

- ۲- فرضیه فرعی:

الف: «بین میزان پیشرفت تحصیلی و سطح سواد والدین همبستگی وجود دارد.»

اهمیت خانواده :

خانواده اولین بذر تکوین رشد فردی و بنای شخصیت را در انسان فراهم می سازد. کودک در خانواده زبان می آموزد , ارزش های اخلاقی را کسب می کند , روابط اجتماعی با دیگران را می آموزد و اصول و قواعد اخلاقی را یاد می گیرد.

خانواده به عنوان فیلتری برای عقاید , ارزش ها و نگرش های مربوط به فرهنگ یک جامعه محسوب می شود و آنها را به یک شیوه بسیار اختصاصی و انتخابی به کودک ارائه می دهد بی تردید باید گفت که شخصیت , نگرش ها , طبقه اجتماعی , اقتصادی , مذهب و خصوصیات , وابستگی های نسبی خانوادگی , تحصیل و جنس والدین خانواده بر نحوه ارائه ارزش ها و میزان های اخلاقی به فرزندان تاثیر خواهد گذاشت. خانواده اولین مکانی است که کودک در آن زندگی می کند و تربیت می یابد. بسیاری از روانشناسان معتقدند که : شخصیت کودک در شش سال اول زندگی شکل می گیرد.

عمده ترین عوامل خانوادگی موثر در پیشرفت تحصیلی عبارتند از :

۱. شرایط عاطفی و امنیت محیط خانواده

۲. شرایط اجتماعی و اقتصادی

۳. تحصیلات و سطح فرهنگ خانواده

۴. تعداد اعضای خانواده

اکنون از بین عوامل فوق به توضیح اهم آنها می پردازیم:

۱. شرایط عاطفی و امنیت محیط خانواده: خانواده اولین کانون تربیتی کودکان به حساب می آید و کودک مقدار قابل توجهی از وقت خود را در آن می گذراند.

بهرام زاده (۱۳۷۲) به نقل از شاروک (۱۹۶۷) می گوید: « محیط خانوادگی بیش از بهره هوشی کودکان در موفقیت تحصیلی آنها موثر است. » شاید بتوان گفت مهم ترین عامل موثر در شکل گیری نگرش دانش آموز نسبت به تحصیل ، خانواده است. چنانچه نگرش خانواده ، نسبت به مدرسه ، معلمان و درس ، منفی باشد و یا بین آنچه می گویند و آنچه عمل می کنند تفاوت وجود داشته باشد طبیعی است که بتدریج فرزند آنها نیز نگرش منفی به درس و تحصیل پیدا خواهد کرد. پدران و مادرانی که درس را کاری بیهوده و اتلاف وقت تلقی می کنند همین نگرش را به فرزندان خود منتقل ساخته و برای پیشرفت درس آنها هیچ گونه کوششی انجام نمی دهند. گاهی ممکن است یک خانواده از نظر مالی و اقتصادی در حد مطلوبی باشد اما فرزندان آن خانواده به دلیل اختلاف و کشمکش های خانوادگی بین پدر و مادر و یا بین هر یک از اعضای خانواده که محیط خانه را به محیط نا امن تبدیل کنند ، دچار افت تحصیلی می شود. دانش آموزی که در خانواده با پدر و مادر درگیر است ، برای نشان دادن مخالفت خود با آنها ناخود آگاه سعی می کند برخلاف میل آنها رفتار کند. از این رو چون تمایل و حساسیت پدر و مادر به تحصیل را مش شناسد ، در درس خواندن کوتاهی می کند. نوجوانان در سن بلوغ به علت تغییرات روحی و جسمی ، به مسائلی غیر از درس و مدرسه توجه می کنند. ممکن است شدیداً به ورزش روی آورند یا بیشتر به فکر تفریح و گردش باشند. پسر نوجوانی عقده داشت که : درس خواندن مال دخترها است. این نوع فکر می تواند اثر نامطلوب بگذارد. خیر (۱۳۶۴) در تحقیقی تحت عنوان (رابطه شکست تحصیلی با زمینه ها و شرایط خانوادگی) درصدد یافتن برخی از عوامل یا ویژگی های خانوادگی گروهی از شکست خوردگان تحصیلی بوده است. نتایج نشان می دهد که عواملی چون شغل پدر ، میزان تحصیلات والدین ، حضور یا نبود یکی از والدین در خانه، وضعیت اقتصادی و اندازه خانواده از جمله عواملی هستند که با موفقیت و یا شکست تحصیلی دانش آموزان رابطه دارد.

۲. شرایط اجتماعی و اقتصادی: درصد قابل توجهی از دانش آموزانی که به طور جدی دچار افت تحصیلی شده بعضاً ناگزیر در مدارس استثنائی مشغول به تحصیل می شوند و از عقب ماندگان فرهنگی به شمار می آیند، کودکانی متعلق به خانواده هایی هستند که از تبار اقتصادی و اجتماعی فوق العاده پایین بوده توماً با فقر اقتصادی و فرهنگی مواجه اند ، از انگیزه تحصیلی بسیار پایینی برخوردارند.

از سوی دیگر در کنار فقر فرهنگی و محرومیت های محیطی ، شرایط اجتماعی اقتصادی حاکم بر جامعه نیز در چگونگی تبلور انگیزه های رشد و پیشرفت با افت تحصیلی دانش آموزان نقش بسزایی دارند. دانش آموزانی هستند که از نظر بهره هوشی و جسمانی هیچ گونه ناراحتی و عقب ماندگی ندارند ، اما بر اثر فقر خانوادگی ، تحمل گرسنگی و کمبودها و نداشتن وسایل نمی توانند به طور مرتب در

مدارس حضور یابند و درس های خود را فرا گیرند ، در نتیجه دچار عقب ماندگی می شوند. در واقع فقر به سلامت و آسایش کودک لطمه می زند. وضعیت اقتصادی تعیین کننده محل سکونت است و اگر دانش آموزان به دلیل فقر مالی نتوانند محل مناسبی داشته باشند ، برای انجام تکالیف و مطالعه دروس با مشکل روبرو خواهند بود. از یک طرف محل سکونت تعیین کننده نوع مدرسه ای است که کودک در آن درس می خواند. وقتی محل سکونت دانش آموز در یک محل فقیر باشد چه از نظر امکانات آموزشی و چه از لحاظ معلمان ، با کمبود هایی روبرو می شوند که مستقیماً بر پیشرفت تحصیلی او اثر می گذارد. فقر مالی سبب می شود که دانش آموز از غذای کافی و استراحت لازم محروم بماند و یا برای جبران کمبودهای خود و خانواده ساعاتی از روز را به کار مشغول شود در نتیجه فرصت کافی برای انجام تکالیف ریاضی و تمرین بیشتر نداشته باشد.

همچنین سطح آرزوهای دانش آموزان خانواده ثروتمند و مرفه متفاوت از خانواده های فقیر و کم درآمد است و همین تفاوت های کمی و کیفی ، بالا بودن شکست های تحصیلی در طبقات اجتماعی کم درآمد را به رغم وجود سطح توانایی های برابر ، توجیه می کند علت افت تحصیلی و یا ترک تحصیلی در کشورهای مختلف متفاوت است. طبق گزارش گروه مشاوران یونسکو ، در هندوستان دانش آموزان بیشتر به علت کمبود لباس و عدم امکانات و شهریه ، ترک تحصیل می کنند. همچنین آمار نشان می دهد که ۳۰ درصد ترک تحصیل کنندگان زن بر اثر عدم علاقه والدین به تحصیل بوده است. در فیلیپین خانواده های متعددی وجود دارند که اغلب هزینه ناچیز تحصیل کودکان برای آنها مبلغ مهمی تلقی می شود.

خانواده در تربیت اجتماعی کودک وظایف و نقش های متعددی را بر عهده دارد

که اهم آنها عبارتند از :

- ۱- خانواده به عنوان سیستم
- ۲- خانواده به عنوان معلم و الگو
- ۳- خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت

خانواده به عنوان سیستم

خانواده را می توان به عنوان يك سیستم اجتماعی یا به عنوان بخشی از يك اجتماع بزرگتر در نظر گرفت ، خانواده از يك سو با سازمان ها و موسسات اجتماعی مانند مدرسه ، بازار و اجتماع ارتباط دارد و از سوی دیگر اعضای خانواده را در بر می گیرد، بنابر این اجتماع فرد و خانواده به صورت يك سیستم با هم در ارتباطند.

اگر خانواده به طور کامل وظایف اساسی خود را به انجام رساند، جامعه حیات خود را با استحکام بیشتری ادامه خواهد داد و سیستم خانوادگی فرد را برای وارد کردن به اجتماع و سیستم اجتماعی آماده می سازد.

یکی از روان شناسان به نام هارلوك، خانواده را به صورت يك سیستم متعادل پیچیده ای تعریف می کند که با ورود هر کودک این سیستم پیچیده تر می شود.

اعضای خانواده سه نفر هستند (پدر، مادر و يك فرزند) در این جا سه نوع تعامل وجود دارد با اضافه شدن يك فرزند دیگر، شش تعامل خواهد آمد و اگر فرزند سومی به خانواده اضافه شود رقم تعامل به ده می رسد و با ورود هر فرزند جدید دیگر تعداد تعامل ها به همین نحو اضافه می شود. بنابر این خانواده يك نهاد انسانی رو به رشد است که حجم و پیچیدگی آن مرتب در حال دگرگونی است. و اعضای خانواده هم به عنوان فرد و هم به عنوان بخشی از واحد خانوادگی عمل می کنند.

خانواده به عنوان معلم و الگو

بی تردید باید گفت که خانواده نقش ویژه ای در الگو شدن و آموزش دادن رفتارها و میزان های اخلاقی و اجتماعی دارا می باشد، هر گونه ارتباط و وابستگی والدین به فرزند و یا والدین و یا والدین با یکدیگر به عنوان پایه ای برای ارتباط اجتماعی بعدی فرد می توانند مورد الگو و سرمشق قرار گیرند. کودک سخن گفتن، راه رفتن، آداب معاشرت، آداب غذا خوردن، طرز لباس پوشیدن، نحوه برخورد ها، مسئولیت پذیری، مهر و صفا، پرخاشگری، رفتار کناره جویانه، محبت، شجاعت، عاطفه، تعاون، کمک به دیگران، ظلم و تجاوز و ... را از پدر و مادر خود فرا می گیرد. اصولاً در روان شناسی کودک، خصوصاً در سال های قبل از دبستان رفتار کودک به عنوان آینه ای از رفتار والدین به حساب می آید.

آلبرت باندورا و ریچارد والتز، دو محقق روان شناسی که به یادگیری کودک از طریق مشاهده و تقلید از والدین اهمیت زیادی می دهند در يك تحقیق رفتار والدین و رفتار فرزندان آنها را مورد مقایسه قرار دادند آنها چنین نتیجه گرفتند که: کودکان پرخاشگر دارای والدین پرخاشگر هستند و کودکان گوشه گیر دارای والدین گوشه گیر و منزوی می باشند. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲)

خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت

محبت و امنیت يك از اساسی ترین ملزومات برای تربیت و رشد کودک می باشد. کودکی که خصوصاً در سال های اولیه زندگی از محبت خانوادگی و پدر و مادر محروم گردد ممکن است در آینده سازگاری شخصی و اجتماعی او با خطر جدی روبرو شود و از اعتماد به نفس کافی و یا برخوردهای اجتماعی متناسب بهره مند نگردد.

کودک نیاز به تامین امنیت را از رحم مادر آموخته است. او بعد از تولد همچنان می خواهد که در محیط امن و آرام باشد و اساسی ترین وظیفه خانواده خصوصاً در دوران قبل از دبستان بر آوردن همین نیاز کودک می باشد. خانواده حتی این نقش مهم را در دوره های دیگر زندگی همچنان حفظ می کند. دوستان، معلمان و همبازیهای کودک در طول زندگی ممکن است تغییر کنند ولی والدین، تماس نزدیک خود را با کودک در طول زندگی حفظ می کنند و نقش یک نهاد ثابت و پابرجا را برای کودک ایفا می کنند. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲)

یکی از روان شناسان به نام هورنای که امنیت را شرط اساسی برای زندگی می داند معتقد است که والدین از طریق عدم ابراز محبت و دوستی نسبت به کودک، کتک زدن متناوب، از شیر گرفتن زودرس، تبعیض قائل شدن بین فرزندان، تنبیه بیجا، رفتار غیر معقول، استهزا کردن، تحقیر نمودن طرد کردن و... می توانند امنیت کودک را خصوصاً در سال های قبل از دبستان به خطر بیندازند، حتی محبت و ابراز دوستی مصنوعی نیز نمی تواند موجبات ایجاد امنیت را برای او فراهم آورد. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲)

نقش اقتصاد در خانواده

مطالبی که در این جا مورد بحث واقع می گردد در باره این است که اقتصاد چه نقشی در خانواده ایفا می کند؟ آیا تعبیر روش اقتصادی در جامعه موجب تغییر طرز تشکیل خانواده است یا نه؟ و چه اندازه باید مسائل اقتصادی در تشکیل خانواده مورد توجه باشد.

در پاسخ سؤال اول باید گفت: شکی نیست که مسئله اقتصاد یکی از ارکان اساسی در زندگی خانوادگی بشر است اقتصاد در شئون علمی و اخلاقی، فرهنگی و تربیتی خانواده نقش بزرگی ایفا می کند، اقتصاد در خوشبختی و بدبختی، ترقی و انحطاط، پیروزی و شکست و عزت و ذلت خانواده ها اثر عمیق دارد.

قسمت عمده ناسازگاری ها و اختلافات، تضاد و تشاجر، جنگ و ستیز و جرم و جنایت که در خانواده ها به وقوع می پیوندد و گاهی مفسد عظیم و غیر قابل جبرانی به بار می آورد از مسائل اقتصادی سرچشمه می گیرد. بر اثر امور مالی است که چه بسیار دیده می شود زنانی که از شوهران خود جدا می شوند. فرزند، پدر و مادر خود را ترك می گوید. برادران و خواهران از یکدیگر قطع رابطه می کنند. خانواده ها بهم می ریزند و کودکان، بی سرپرست می شوند. چنانچه، در جامعه ای نیز يك قسمت قابل ملاحظه ای از کشمکش ها و اختلافات که بین افراد یا گروه ها اتفاق می افتد یا ملل و اقوام بشری را رو در روی یکدیگر قرار می دهد و آتش جنگ را مشتعل می سازد منشا اقتصادی دارد.

جامعه شناسان می گویند:

« اگر سؤال شود که در جامعه چه چیز سبب جنگ می گردد پاسخ قطعی دادن کار آسانی نیست. ولی اعتقاد به اینکه عامل اقتصادی سهم بسزایی در ایجاد جنگ دارد، دلایل عینی فراوانی دارد که آنرا تایید می کند و روز به روز بیشتر می شود. »

موقعیت اجتماعی - اقتصادی و یادگیری

توانایی ها ذاتی یادگیرندگان به صورت های متعددی تحت تاثیر موقعیت های اجتماعی اقتصادی قرار می گیرد. انواع سنخ های شناختی فرایندهای رشد تفکر، خود تصویری، روابط گروهی، روابط معلم و شاگرد، فرصت های آفرینندگی و کسب تجارب بطور عمیقی تحت تاثیر طبقه اجتماعی هستند که کودک در آن متولد شده و رشد یافته است به این ترتیب طبقه اجتماعی دانش آموزان در سطح دبیرستان ها و دانشجویان انجام گرفته است و معلوم شده است علی رغم کوشش هایی که برای ترغیب کودکان محروم از آموزش و پرورش برای ورود به دبیرستان و دانشگاه انجام گرفته است، اکثریت دانش آموزان و دانشجویان از خانواده های متوسط و متوسط به بالا بوده اند. همچنین بررسی ها نشان می دهد که این قبیل نه از نظر اقتصاد تحصیلی، بلکه از نظر توقعات و امکانات مالی والدین یا کودکان محروم از تحصیل تفاوت های مشهودی داشتند. به احتمال قوی نتیجه این بررسی ها را می توان به کشور خودمان تعمیم داد. هر چند، برای حصول اطمینان، لازم است تحقیق مشابهی برای سال های اخیر انجام گیرد.

در گذشته طبقات پایین اجتماعی کمترین رغبت را برای آموزش و پرورش رسمی داشتند. فرض جامعه نیز بر این بود که آنان در پایه های تحصیلی پایین تری ترك تحصیل خواهند کرد از بیشترشان انتظار می رفت که مثل پدران و دوستان پدرانشان. کارگران دستی غیر ماهر یا نیمه ماهر با آید. بعلاوه. بیشتر خانواده های محروم در محله های پرجمعیت و یا در محله های دوردست، که بیشتر از خانواده ای زندگی می کند که مردم آن، اهل علم و ادب هستند و در آنجا علاقه و رغبت به بحث و گفتگو در باره اندیشه های نو، اختراعات و اکتشافات جدید وجود دارد، بیشتر از کودکی که در خانه وی در باره کتاب ها یا موضوع ها و اکتشافات جدیدی صحبت نمی شود آماده شرکت در بحث ها، درک مسائل جدید و احياناً هماهنگی و سازگاری با آنها خواهد بود.

در هر حال کودکانی که والدین آنها از تحصیلات خوبی برخوردارند، احتمالاً بیشتر از سایر کودکان علاقمندتر خواهند بود که در تحصیلات خود توفیق داشته باشند. نوعی زندگی خانوادگی نیز روی یادگیری کودک موثر است. مثلاً کودکی که با خانواده خود به بیشتر جاها مسافرت می کند. بیشتر از کودکی که تجارب مسافرتی کم و محدود دارد، به مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا آمادگی دارد.

همچنین مطالعاتی که در مورد روابط میان آموزش و پرورش و درآمدها و نابرابری هایی که در خانواده ها و در نتیجه، در مدارس به وجود می آیند انجام گرفته است نشان می دهند که هر قدر سطح درآمدها بالاتر و بالاتر می رود نمرات آزمون های پیشرفت تحصیلی نیز بالاتر می رود یعنی سطح تحصیلات کودکان و نوجوانان با درآمد خانواده آنان رابطه مستقیمی دارد. (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۴)

وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین

سطح در آمد خانواده نوع شغل پدر ، میزان تحصیلات مادر عواملی را تشکیل می دهند که در تعیین سطح درآمد فرزندان تاثیر می گذارد . به هر صورتی که متغیرهای فوق را اندازه گیری کنیم به نظر می رسد که موقعیت اجتماعی _ اقتصادی خانواده اثر زیادی در درآمدهای آتی فرزندان داشته باشد.

از طرق گوناگون درآمد فرزندان تحت نفوذ موقعیت اجتماعی _ اقتصادی خانواده قرار می گیرند . برای مثال خانواده هایی که از تحصیلات و امکانات بیشتری برخوردارند ، احتمالاً فرزندان خود را به سال های بیشتر از تحصیلات عادی مدرسه ترغیب می کنند و یا خانواده هایی که از درآمد بالاتری برخوردارند قدرت تحمل هزینه های سال های بیشتر تحصیل فرزندان خود را نیز دارند.

تربیت فرزندان و باروری ثمربخش

داشتن فرزندان سالم و مستعد کافی نیست. تهیه و تدارک محیط مناسب تربیتی و کنترل و آموزش و پرورش آنها، هدف و غایت مطلوب است. همچنان که داشتن بذر و تخم اصلاح شده و مرغوب کافی نیست. زمین مناسب برای کشت و نور کافی و آب و کود و مواظبت و سرکشی و تحمل زحمات و تلاش و کوشش طولانی لازم دارد، تا تخم بروید و رشد کند و به ثمر آید و بار دهد. حساس ترین وظیفه والدین، تربیت کردن و بار آوردن فرزندان است. تا مطابق استعداد فطری و سرشتی و توان و نیروی بدنی خود، مراحل آموزش و تعلیم و فراگیری را طی کنند و نضج یابند و به صورت مفید و مؤثر وارد اجتماع شوند و با ایمان و اطمینان به آینده خود زندگی سرشار با موفقیت و سرور و شادی و خرسندی و رضایت خاطر را شروع کنند

والدین هر چه مطلع و بصیر باشند و در تربیت فرزندان پر استعداد خود بکوشند، در محیط نامناسب و ناهماهنگ موفقیت چندانی نخواهند داشت. درست مثل اینکه تخم و بذر اصلاح شده و مرغوب را در زمین شوره زار و غیر قابل کشت و زرع بکارند، که البته نمی تواند مراحل رشد و نمو خود را به صورت مطلوب طی کرده نضج یابد و به ثمر برسد. (شربانی، ۱۳۷۵، ۱۸۶)

شبکه خانوادگی

تجربه و آگاهی اولیه کودکان از انسان های دیگر در بافت خانواده شکل می گیرد. بعلاوه کیفیت فرایندهای دلبستگی و پیوند میان والدین و نوزاد در ماههای اولیه زندگی، برای بهداشت هیجانی فرد بسیار مهم و حیاتی است.

خانواده عرصه ای مهم برای یادگیری درباره دنیا بوده و اجتماعی شدن کلی در آن روی می دهد. خانواده به عنوان در دسترس ترین سیستم حمایتی کودکان مدنظر قرار می گیرد. در نتیجه هر آنچه که این سیستم حمایتی را کمرنگ نماید (مانند تغییرات دوران بلوغ، جدایی پدر و مادر و یا بویژه سبک خانوادگی منفی) عوارض جانبی برای کارکردهای کودک، انطباق و هویت یابی او ایجاد می کند. (سلیمانپور و همکاران، ۱۳۸۴، ۲۷۹)

والدین در مسئولیت شریک هستند

محیط خانواده، مدرسه فوق العاده ای است که میتواند استعدادهای روانی اطفال را پروراند و به آنها درس عبرت و شخصیت و رشادت و شهامت، بخشش و سخاوت و... بیاموزد. یابر عکس صفات زشت و زذیل و انحراف و تربیت غلط را یاد بدهد.

خواندن و بطور کلی یادگیری، مستلزم وجود شرایط اولیه و ثانویه است. شرایط اولیه یعنی استعدادها و نفسانی مثل هوش، حافظه، سلامت بدن و شرایط ثانویه مانند محیط مناسب، آرامش روانی و... وسائل والدین مهمترین افرادی هستند که می توانند، ضروری که همه اینها بهر حال به والدین ارتباط دارند. روحیه آموزشی و فرهنگی را در کودکان خود برانگیزند.

نتیجه گیری :

هرچند ماهیت و چگونگی تجارب آموزشی، پرورشی و رشد کودک، تحت تأثیر عوامل متنوعی همچون سیاست، دولت و ارزش های بومی قرار می گیرد، ولی روشن است دو نهادی که به طور مستقیم در کودک تأثیر می گذارد، خانه و مدرسه است. بسیاری از آثار گسترده جامعه، از طریق فرصت ها و تجربه های به دست آمده در این دو نهاد بر کودک عرضه می شود. با توجه به اولویت خانواده در زندگی اغلب کودکان و اهمیت عملکرد مدرسه برای فرصت های آینده زندگی استمشکل مالی خانواده ها مشکل مهمی می تواند باشد که در موفقیت فرزندان تأثیر مستقیم دارد خانواده که نتواند از کودکی تغذیه مناسب جسمی و روحی برای فرزندان تهیه نماید. مسلما در طول دوران تحصیل هم نمی تواند فرزندان را در کلاسهای تقویتی یا آموزشی قرار دهد که همه اینها به طور مستقیم و غیر مستقیم در افراد جامعه با شرکت در فعالیت وضعیت تحصیلی دانش آموزان موثر خواهد بود.

منابع :

۱. ابراهیمی پور، محمد (۱۳۸۲)؛ بررسی نگرش دانشجویان شاهد و ایثارگر نسبت به عملکرد استاد شاهد و ایثارگران، بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی.
۲. اردبیلی، یوسف (۱۳۷۴)؛ اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، تهران: مؤسسه‌ی بعثت.
۳. ازکمپ، استوارت (۱۳۷۲)؛ روان‌شناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه‌ی فرهاد ماهر، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۴. احمدی، احمد (۱۳۷۴)؛ روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات مشعل.
۵. اخلاقی، فرشاد (۱۳۷۸)؛ بررسی و مقایسه بین علاقه‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
۶. بهزادی، مهین (۱۳۶۸)؛ بررسی وضعیت تحصیلی فرزندان شاهد در شهرستان شیراز، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه شیراز.
۷. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳)؛ بررسی کمیت و کیفیت آموزش عالی ایران، مجموعه‌مقالات اولین همایش ملی طرح مسایل جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. خیر، محمد (۱۳۶۵)؛ رابطه‌ی شکست تحصیلی با زمینه‌ها و شرایط خانوادگی، مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره‌ی اول، ش ۲.
۹. — (۱۳۷۶)؛ بررسی رابطه‌ی برخی از شاخص‌های طبقه‌ی اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش‌آموزان، مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره‌ی ۱۲، ش ۲.
۱۰. دهقان، حسین (۱۳۷۵)؛ بررسی رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. ساعی، رحیم (۱۳۷۷)؛ بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی و ارایه‌ی رهیافت مناسب آموزش، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد.
۱۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۲)؛ سنجش و اندازه‌گیری و ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، چ ۸، تهران: انتشارات آگاه.
۱۳. — (۱۳۷۳)؛ روان‌شناسی پرورشی، چ ۱۲، تهران: انتشارات آگاه.
۱۴. سرائی، حسن (۱۳۷۲)؛ مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. شریفیان، اکبر (۱۳۸۱)؛ عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان شاهد، فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۵ و ۱۶.
۱۶. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴)؛ فرهنگ علوم و فن‌آوری، تهران: انتشارات امیرکبیر.